**یغما و قاآنی**

نامه‏ای از یغما به دست افتاد که‏ راجع به معنی کلمهء«فرسب»با قاآنی‏ اختلاف نظر داشته‏اند و از مفاد آن بر می‏آید که یغما به صحت نظر خود اطمینان قطعی داشته است،شرطبندی‏ آنها بر سر پنج من قند بوده که در آن‏ تاریخ هریک من پنج ریال بها داشته‏ است.

باید دانست که در دیوان یغما و دیوان قاآنی کنایات و اشارتی است در مناسبات و روابط این دو شاعر معاصر، که هرکه خواهد به دیوان آنان رجوع‏ کند.

فرسب\*در لغت به معنی شاه تیر و چوب بزرگی که بام خانه را بدان‏ پوشند،و جامه‏ها و پارچه‏های الوانی‏ که در نوروز و روزهای جشن در و دیوار خانه‏ها و دکانها را بدان آرایش‏ کنند.(فرهنگ نفیسی)

سرکار سردار را بنده‏ام و بامیدانکه‏ جان بر وجودش فشانم زنده اینک در صحبت‏ سرکار قااینم و بدیار مینو ابارش نمد در هیئت جاودانی بر سر فرهنگ فرسب‏ میان ایشان و من حرف است بی‏حضور و رجوع فرهنگ جهانگیری داودی بمقطع‏ نخواهد رسید بوصول عریضه فرهنگ‏ فرزندی اسد را بدون عذر و بهانه‏ بله ادم خودت بیارد که مجهولی معلوم‏ شود پنج من قندمایهء نذر است اگر نفرستی بسبب و پنجهزار ضرر دانسته‏ بمن خواهی زد و تو بمیری‏ خواهم محند خون یغما